

غلامرضا سیمعی

که بر عاطفه و خیال مبتنی است، با اسلوبی خاص بیان می‌شود و معانی و مفاهیمی دلربا و شورانگیز را به اذهان مختلف القاء می‌کند. اما از آنجا که اثر ادبی با ذوق انسان رابطه مستقیم دارد و هیچ انسانی در هر مقامی که باشد خالی از ذوقی نیست دامنه ادبیات وسعت می‌یابد و بدین سبب است که ادبیات ناگزیر درجانی پیدا می‌کند و به انواع مختلف تقسیم می‌گردد و هر یک از این انواع باید به شیوه‌ای مخصوص مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرد.

در بادی امر شاید بتوان ادبیات را به دو نوع تقسیم کرد: ادب عامیانه و ادب هنرمندانه. اما ادب عامیانه آن بخش از ادبیات است که به زبان عوام به صورت شعر یا نثر بیان می‌گردد. با آنکه لهجه‌های عامیانه در کشور ما تعدد دارد و با استقصایی نه چندان کامل می‌توان گفت که هر ناحیه از کشور ایران لهجه مخصوص به خود دارد با این حال تعداد آثاری که با زبان عامیانه نوشته یا سروده شده باشد اندک است و این بیشتر بدان جهت است که سراینده‌گان یا نویسندگانی که استعداد خلق آثار به زبان عامیانه داشته‌اند بدین نکته واقف بوده‌اند که لهجه محلی زبانی کشور گیر نیست و در صورتی که اثر خود را با لهجه محلی بنویسند دایره نفوذ آن بسیار تنگ خواهد بود. به همین سبب ادب عامیانه خود به دو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول آن دسته آثاری است که با لهجه محلی خاصی نوشته شده یا سروده گردیده است و تعداد اینگونه آثار بسیار اندک است. نوع دوم آثاری که مخلوق طبع عوام است اما با زبانی کتابی سروده یا نوشته شده است. در هر صورت ادب عامیانه که به خصوص نمونه‌های شعری بسیار از آن از دوران صفویه تا عصر قاجار و جسته جسته تا به امروز به وجود آمده است به جای خود در ادب فارسی موقع و مقامی دارد و شایسته نقد و تحقیق است. اما ادبیات هنرمندانه داستانی دیگر دارد. این نوع ادبیات که از شور و وجد و ذوق و حال مایه می‌گیرد و هدفش همچنان که بیان کرده‌ایم تحریک احساسات و ایجاد لذت یا الم است خود انواع مختلف دارد. بدین معنی که گروهی از این گونه آثار ادبی از شمار نمط عالی، گروهی از درجه متوسط و گروهی در مرحله سافل قرار دارند و هر یک از این گروهها خود نیز از لحاظ سبک و هدف و محتوا به چند نوع تقسیم می‌شوند. به گمان من ادب هنرمندانه فارسی را نیز می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

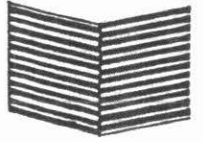
بقیه در صفحه ۶۳

همان طور که هنگام تحقیق در علوم، نخستین چیزی که از خاطر هر پژوهنده می‌گذرد این است که علم خود چیست، تا به بحث و تحقیق در آن پردازیم و برای چنین بحث و تحقیقی روش بسط را برگزینیم به همین ترتیب برای آن که از روش مطالعه و تحقیق در ادبیات بحثی به میان آوریم نخست باید بدانیم ادبیات چیست؟ این پرسشی است به ظاهر ساده اما پاسخ گفتن بدان کار آسانی نیست. اگر ادبیات را از دیدگاه اهل علم نگاه کنیم ناگزیر باید بگوییم که ذهن بشر بین یک سلسله علتهای ذوقی و معلولها روابطی کشف می‌کند که نمایش این روابط از طریق گفتار و نوشتار - شعر و نثر - ادبیات نامیده می‌شود اما تصدیق می‌کنید که این تعریف ولو که علمی باشد و با ذوق علما سازگار، معرف واقعی ادب و ادبیات نیست. بنابراین ناگزیریم ادبیات را از طریق دیگر و به شیوه‌ای دیگر تعریف و توصیف کنیم. به عقیده برخی دانشمندان لغت‌شناس لغت ادب از کلمه 'دُب' (Dub) سومری به زبان فارسی راه یافته و آنگاه به زبان عربی رفته و اشتقاقاتی پیدا کرده است و این لغت در اصل به معنی لوحه و خط است. اما مفهوم لغت ادب آنجا که سخن از ادبیات به میان آید در نظر محققان متفاوت است. برخی ادب را عبارت دانسته‌اند از: بلندترین و عالی‌ترین افکار و خیالها که با بهترین صورت تعبیر و عرضه گردیده باشد.

اما مفهوم لغت ادب و ادبیات نیز همانند همه پدیده‌های دیگر در طول زمان یکسان نمانده و دستخوش تحول گردیده است. بیشتر اقوام و امم قدیم جهان ادب را فقط به معنی و مفهوم شعر به کار می‌برده‌اند و علوم ادبی نزد آنها علم شعر بوده است و پس. نزد یونانیان قرون اولیه میلادی و اعراب لااقل تا عهد بنی‌امیه ادب عبارت بوده است از معرفت شعر و آنچه بدان مربوط است اما همان طور که این مفهوم در میان یونانیان و نیز قوم عرب دوامی نیاورده و بعدها علوم ادبی به علمهای بسیاری از جمله علم صرف و نحو و لغت و معانی و بیان اطلاق گردیده است. طبیعی است که در دوران معاصر نیز ادبیات انواع محصول ذوق بشری را که به صورت کتبی یا شفاهی عرضه می‌شود - اعم از شعر و نثر - شامل می‌گردد و به همین سبب یافتن تعریف جامع و مانعی برای آن دشوار می‌شود. آنچه محقق است آثار ادبی در هر زمان و به هر زبان که به وجود آمده باشند وجه مشترکی دارند و آن وجه مشترک جوهری است که از آن به ذوق انسانی تعبیر می‌گردد. سنجیمای

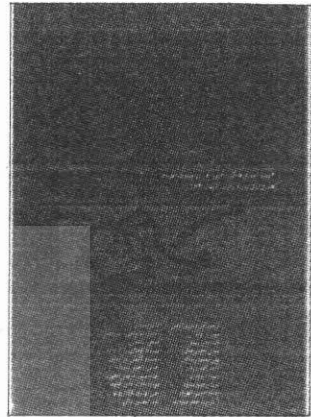
نسخ خطی است.

توفیق آقای دکتر محمود فاضل و استاد گرانمایه جناب آقای
احمداحمدی بیرجندی را در ارائه این کار از خدای بزرگ خواهانیم.



طلایه

سال اول، دفتر اول و دوم بهار و تابستان ۱۳۶۶



طلایه فصل نامه ادبی، فرهنگی و هنری بنیاد پانزده خرداد است

که تاکنون دو شماره آن به دفتر مجله رشد آموزش ادب فارسی رسیده
است.

در شماره اول آثاری از این شاعران و نویسندگان به چشم
می خورد:

امیری فیروزکوهی. مهرداد اوستا. حسینعلی بیهقی. عباس
خوش عمل. علی محمد رستگار. احمدرضا زارعی. حمید سبزواری.
سید ابراهیم ستوده. محمدحسین شهریار. دکتر سید جعفر شهیدی.
دکتر شعبانی. محمود شاهرخی. مشفق کاشانی. سپیده کاشانی. محمود
گلشن کردستانی. حسینی لاهوتی. استاد شهید مرتضی مطهری.
جلال الدین مولوی. علی موسوی گرمارودی. عبدالحسین نوایی.
در شماره دوم هم نوشته‌ها و اشعاری از این نویسندگان و
شاعران به چشم می خورد:

مهرداد اوستا. آرش اسفندیاری. عباس باقری. ساعد باقری.
داریوش پایدار. ف - توسلی. شهید، مهندس مجید حداد عادل. دکتر
غلامعلی حداد عادل. حمید سبزواری. دکتر عبدالکریم سروش. محمود
شاهرخی. محمدرضا عبدالملکیان. علی اکبر کسمایی. سپیده کاشانی.
عباس مشفق کاشانی... و سلمان هراتی...

۱ - منظور از «خاک بی باک» انسان است.

۲ - این اعداد مربوط است به اصل تفسیر.



بقیه مقاله ادبیات چیست از صفحه ۲۳

سیاست یا مکتب یا مسلکی معین به سائقه ذوق هنرمندانه و میل و هوای
دل خویش قلم زده طبع آزمایی کرده اند و آن آثار که گفتیم از نسط عالی
است آثار همین دسته از هنرمندان است. برخی از سخن شناسان
معاصر ادب آزاد را به چند نوع تقسیم کرده اند که مهمترین آنها عبارتند
از: ادب حماسی، ادب تعلیمی، ادب عرفانی و ادب عاشقانه و نکته
خود پیداست که مهمترین بخش ادبیات ایران بعد از اسلام همین ادب
هنرمندانه است که از دوره سامانیان نضج یافته و نظم پذیرفته و بسا
تحولات گوناگون تا دوران معاصر ادامه یافته است.

ادب مقید یا دستوری و ادب آزاد. اما ادب دستوری که در
حقیقت نوعی ادب تجاری است ادب ادیبان یا شاعران درباری یا ادب
ادب اهل دیوان است. که غالباً هدفش خشنودی خاطر شاهان و امیران
و به عبارت دیگر دست اندرکاران مشاغل مهم دولتی و سیاسی بوده
است. در حقیقت این گروه از ادیبان معامله گران، یا تجارت پیشگانی
بوده اند که کالای ذوق خود را در معرض تجارت می گذاشته و از آن راه
تأمین مال و منال و رفاه حال می کرده اند. اما مقصود از ادب آزاد آثار
نویسندگان یا شاعرانی است که ولو برخی از آنان با ارباب زر و زور
بی ارتباط نبوده اند، نه برای کسب جاه و مال بلکه به منظور تسویج